دین را چگونه مطالعه کنیم



نوشته: مولانا صدر الدین اصلاحی

مترجم: عبد الخالق مصدق

تقریظ

(چگونه دین را مطالعه کنیم) که بـه خامـهٔ پختـهٔ دانشـمند هدفمنـد آقـای اصـلاحی تحریـر و بـا قلم رسـای جـوان پـرتلاش آقـای مصـدق ترجمـه گردیـده اسـت، مطالعـه نمـودم: در ایـن رسـاله باوجود حجم کوچک آن به اهمیت و مفهـوم درسـت مطالعـه، عمـق مطالعـه و درک عمیـق قـرآن و حدیث، سیرت پیامبر و یاران بـا صـفای آن حضـرت صـلی الله علیـه وسـلم و مطالعـهٔ سـایر کتـاب های سودمند پرداخته شده کـه بـه بـاورم ماننـد چلچـراغ فـروزان جوانـان و نـو جوانـان، و آنانیکـه توانایی و حوصلهٔ مطالعه کتاب های بزرگ را ندارند، افروختـه شـده اسـت کـه مطالعـهٔ ایـن رسـاله، خواننـده را و امیـدارد موضـوع را تـا پایـان بحـث دنبـال کنـد و مسـیر درسـت را در آینـده بـرای شناخت دین برگزیند.

ترجمه یا برگردانیدن مطلب از یک زبان به زبان دیگـراز ازمنـهٔ قـدیم تـا امـروز و تـا پایـان تـاریخ جایگاه ویژه در حیات بشـر داشـته و دارد و همـین فـن باعـث ایجـاد تمـدن هـای بـزرگ و انتقـال تمدن و فرهنگ بشری از بخشی این کرهٔ مادی به بخـش دیگـر آن گردیـده و دسـتآورد هـای انسـانی را با یگدیگر گره زده است چنانکـه تمـدن هـا در هـر گوشـه و کنـار جهـان مربـوط تمـام بشـریت میگردد و هیچکسی حق نـدارد تمـدن بشـری را منحصـر بـه فـرد و قشـر خـاص نمایـد. امـا درد و دریغا که باوجود اهمیت این موضوع که به فن ترجمه نـه تنهـا امـروز کـه دیـروز نیـز در کشـور مـا توجه جدی صورت نگرفته است.

امیدوارم که فرزندان عزیز کشورم مانند آقای مصدق متوجـه ایـن خـلای بـزرگ گردیـده و بـرای پر نمودن کمر همت بسته کرده، مطالب با ارزش، سـودمند و علمـی از سـایر زبـان هـا را کـه بتوانـد در حیات جامعهٔ دردمند و شلاق خوردهٔ ما مفیـد ثابـت شـده و باعـث شـگوفانی پیشـرفت و آگـاهی گردد، به زبان های ملی بر گردانند تا ترجمه بعنوان یک فرهنگ در جامعه ما نهادینه شود.

البته مترجم عزیز به هردو زبان و رمـزو راز آن کـه شـرط اساسـی ترجمـه دانسته میشـود آگـاهی کامل داشته و با حفظ امانتداری، رساله را چنان بـر گردانیـده کـه گویـا از خامـهٔ خـودش برخاسـته و به دل کاغذ نشسته باشد.

در حالیکه این توفیق را رفیـق متـرجم خواسـته و اجـر عظـیم بـرایش آرزو میکـنم امیـدوارم ایـن مشعلی را که افروخته اسـت همچنـان روشـن نگهداشـته و بـه راه خـود (ترجمـه) ادامـه بدهـد و در جهت تقویت این جنبش سازنده، قدم های بزرگ و مستحکم بردارد.

(ذبیح الله قریشی)

تقریظ

رسالهٔ پر محتوای (چگونـه دیـن را مطالعـه کنـیم؟) تـالیف عـالم متعهـد صـدرالدین اصـلاحی و ترجمهٔ جوان هدفمنـد عبـدالخالق مصـدق را از اول تـا آخـر مطالعـه کـردم. هرچنـد حجـم رسـاله کوچک است ولی مضمون و محتـوای آن خیلـی بـزرگ و سـنگین اسـت. اگـر جوانـان و نوجوانـان مسلمان این رساله را با دلچسپی مطالعه نماینـد، بـدون شـک دریچـهٔ علاقمنـدی و رجـوع بـه ارزش های دین بر روی شان گشوده خواهـد شـد، زیـرا ترجمـهٔ رسـاله بـه شـیوه سـلیس و روان صـورت گرفته و از تعقید لفظی و ابهام مبراست.

یقیناً آقای مصدق با پرداختن به کارهای دعوتی ای از این نوع ارواح شهدای انقلاب اسلامی، خصوصاً روح مطهر مهندس حبیب الرحمن شهید را شاد خواهد ساخت و با ترغیب به تعقیب نقش قدم آن بزرگمردان راه خدا جل علی شانه، انگیزۀ حضور جوانان در صحنه های دفاع از افتخارات جهاد را تقویت می بخشد.

به پاس این زحمت کشی مخلصانه برای مولف و مترجم اجر عظیم و برای خوانندگان توفیق عمل متعهدانه آرزو دارم.

(اعزامی)

اهمیت مطالعهٔ دین

مطالعـهٔ قرآنکـریم و احادیـث گرانمایـهٔ پیـامبر بزرگـوار اسلام صلی الله علیه وسلم بطـور بنیـادی، و خوانـدن کتـاب های عام دینی بطور ضـمنی، بـرای تحکـیم اسـلام و تقویـهٔ ایمان هر مسـلمان ضـروری اسـت. زیـرا در صـورت عـدم مطالعهٔ آنها، نه به اسلام راسـتین متمسـک گردیـده و نـه بـه ایمان پویا، زنده و توانا، دست می یابیم.

اسـلام، نـام عمـل (پیـروی مخلصـانهٔ احکـام شـریعت) است و برای عمل به هـر کـار دیـن و دنیـا نخسـت داشـتن علم ضروری است و اگر کسی ندانـد کـه انجـام دادن فـلان کاری برای او مهـم اسـت، نمـی توانـد خیـال اقـدام بـه آن کار را در ذهن خود بگنجاند، چه رسد بـه اینکـه آنـرا عمـلاً انجام دهد.

بـدین منظـور، نخسـتین شـرط پیـروی اسـلام، دانسـتن احکام آن است و تشـریح احکـام دیـن، در قـرآن، حـدیث، سیرت و کتابهای مـؤثر فقهـی میسـر اسـت. بـه هـر انـدازه

ایکه یک شخص در بارهٔ قضایای مـورد نظـر مطالعـه داشـته باشد، به همان مقدار می توانـد حـق مسـلمانیش را بجـا آرد و شخصـیکه نمیدانـد کتـاب خـدا جـل علـی شـانه و ارشـادات پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم در ابعـاد گونـاگون زندگی او خواهـان چـه طـرز العملـی اسـت، او بـه مشـکل اسلامیت خـود را بـه اثبـات میرسـاند. پـس حالـت چنـین شخصی کم و بـیش بـه کسـانی میمانـد کـه خداونـد جـل علی شانه در بارهٔ ایشان فرموده است :

﴿لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّآ أَمَانِيَّ ٧٨﴾ البقـــــــرة : ٧٨

ترجمـه: از کتـاب خـدا جـز یـک مشـت خیـالات و آرزوها نمی دانند.

امـا آنانیکـه نـزد خداونـد جـل علـی شـانه نیکـو کـار، مصـلح و سـزاوار پـاداش اخـروی انـد، قرانکـریم آنـان را چنین توصیف می نماید:

﴿ وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٧٠ ﴾ الأعراف: ١٧٠

ترجمـه: آنانیکـه متمسـک بـه کتـاب آسـمانی شـدند و نماز را بپاداشتند به آنهـا مـزد عمـل بهتـر داده خواهـد شـد که ما پاداش در ستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.

بدینگونه پیامبر صلی الله علیه وسلم بخاطر نجات از گمراهی چنین فرموده است که به دو چیز: کتاب خدا و سنت من چنگ زنید.

تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ

ترجمه: من دو چیز به شما گذاشتم، اگمر به آن دو تمسک ورزید هرگمز گمراه نمی شوید: (کتاب خدا و سنت پیامبرش.

معنی چنگ زدن و محکم گرفتن قرآن و سنت، پیروی نمودن و بجا آوردن درست دستور های اوتعالی است و چون عمل به دین بدون دانستن احکام آن نا ممکن است و نیز دانش دین بدون مطالعه بدست نمی آید، پس هویدا است که خواندن قرانکریم و سنت پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم برای هر فرد مسلمان بسیار ضروری است.

در این مقام اهمیت خواندن و پژوهش را در بارۀ ایمان مورد دقت قرار میدهیم، چون این مسئله آنقدر روشن و آفتابی نیست، چرا که برخی مردم عجیب گمان میکنند شخصیکه بالفعل به قرآن و اسلام باور دارد، ایمان او به مطالعه و خواندن چه نیاز دارد؟

درست است که ایمان از نگاه اصل خود یک پدیده ای است بسیط نه بطور جزء جزء بلکه بطور کل بمیان

می آید، اما این برداشت که حقیقت سادۀ ایمـان، بـه غـورو فکـر و شـناخت تفصـیلی ضـرورت نـدارد، عـاری از مقبولیت است. و طوریکه مطالعۀ ارزش هـای دیـن در بجـا آوردن احکـام اسـلام ضـروری اسـت، در رابطـه بـا مسئلۀ ایمان چنین ضرورت در حد اولی احساس میگردد.

در حقیقت اهمیت خوانـدن و پـژوهش در بـارۀ ایمـان و یقین برای یـک مسـلمان در برخـی از جوانـب، بـه مراتـب بیشـتر از مطالعـه در بـارۀ اسـلام اسـت. در اینجـا بـه دو پهلوی این ضرورت تماس میگیریم:

نکتۀ اول اینکـه: وجـود اجمـالی اسـلام صـرف تـا حـد قـانون کـافی اسـت، کسـیکه از تـۀ دل (لا الـه الله محمـد رسـول الله) بگویـد او در زمـرۀ اهـل اسـلام بشـمار میـرود. مگر ایـن اعلانـش هرگـز بـه زنـدگی اسـلامی و ایمـانی او کافی نیست، زیرا تـا زمانیکـه ایمـان اجمـالی شـکل ایمـان تفصـیلی را بخـود نگیـرد، در آن نقـایص عقیـدوی و داغ هـای جـاهلی بـاقی میمانـد کـه در موجودیـت آن، ایمـان ارزش خود را از دست میدهـد. بطـور مثـال عقیـدۀ توحیـد را در نظر میگیریم، اگـر شخصـی از تـۀ دل و خلـوص نیـت به یگانگی خداونـد اقـرار نمایـد، مسـتلزم آن نیسـت کـه او همه مقتضیات بنیـادی توحیـد را دانسـته و از دل بـدان بـاور

دارد و اکنــون در گســترهٔ حــدود و اختیــارات آفریــدگار یکتا، کسی را شریک نمیسازد و ایــن نکتــه بــر همــه مســایل ایمانی صدق می کند.

هر بخش بینش اسلامی از خــود تقاضــا هــایی دارد و تــا هنگامیکه همین مقتضیات در ذهــن انســان روشــن نباشــد، او نمیتوانــدحق مســلمان بــودن را ادا نمایــد. تــا جاییکــه بــه توحید، رسالت، روز واپسین و دیگــر مســایل بنیــادی عقیــده ارتبــاط میگیــرد، بــدیهی اســت آن چیــزی نیســت کــه بــه اجتهاد عقلی حل گردد، بلکــه صــرف بــا ســر چشــمه هــای اصیل دیــن، فرمــوده هــای مســتند کتــاب خــدا و ارشــادات گرامــی پیــامبر بزرگــوار اســلام صــلی الله علیــه وســلم مــی تواند حــل شــود و بــس، بنــاءً مطالعــهٔ عمیــق و بنیــادی آن خیلی ضروری است.

نکتــهٔ دوم: بــه کیفیــت برقــراری ایمــان تعلــق میگیــرد، ازاین دیدگاه خواندن عمیــق قــرآن و ســنت چنــان ضــروری است، مانند ضرورت کشــتزار نــورس بــه کــود کیمیــاوی و آب و هوا.

به کشــتزاری کــه کــود و آب نرســد بتــه هــای آن رفتــه رفته زرد، نــاتوان و خشــک میگــردد. بدینگونــه اســت حــال دل مومن، اگر مطالعهٔ کتــاب خــدا، حــدیث پیــامبر صــلی الله

علیه وسلم، اسوۀ پیامبران، سیرت صالحین، و کتابهای شرح دین، به زندگی او دگرگونی و رونق نبخشد، او پویایی و توانایی خود را از دست میدهد و دیگر توقع حرکت و عمل درست از او نمیرود. همین مطالعه سودمند ترین چاره است که در دل آدمی گنجینۀ ایمان را نگهبانی نموده و به آن تازه گی می بخشد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

جَدِّدُوا إِيمَانَكُمْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ نُجَدِّدُ إِيمَانَنَا قَالَ أَكْثِرُوا مِنْ قَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [1]

ترجمه : رسول الله ﷺ فرمودند : ایمان تانرا همیشه تجدید کنید. گفتند یا رسول الله ایمان ما را چگونه تجدید کنیم؟ ایشان فرمودند : کلمۀ « لا إله إلا الله » همیشه تکرار کنید و بدین وسیله ایمان تانرا تجدید نمایید »

از این ارشاد گرامی دو مسئله واضح میشود. اول: اینکه اگر ایمان به قصد شادابی و توانایی صیقل زده نشود، به حالت خود باقی نمی ماند، بلکه گرد و غبار بر روی آن می نشیند. دوم: اینکه روش پاکسازی آن از غبار این است که کلمۀ طیبه (لا اله الا الله) را ورد زبان

1- (مسند أحمد - 17 / 395 عن ابي هريره ؓ)

نموده و با جان و دل گردان گردد.

این جملهٔ مختصر چهار لفظی در اصل مرکز، مغز و فشردهٔ دین و شریعت است که همه مسایل ایمان، اسلام، تقوی و احسان در آن گنجانیده شده است. شعاع همین مرکز نور است که به شکل قرانکریم و احادیث نبوی پخش گردیده است و سپس این نور به کرانه های دور دست هستی پرتو افگنی نموده و بالتدریج به شکل سیرت پیامبران علیهم السلام سیرت صحابه رضی الله عنهم و سیرت صالحین و به صورت کتابهای دینی ظهور می نماید که به منظور تشریح و تفسیر دین، شریعت و شناخت و تلقین ایمان و اسلام نوشته شده اند.

در حقیقت با تذکر لا اله الا الله، ایمان اجمالی و با مطالعهٔ قرآن و سنت ایمان تفصیلی تجدید میشود. پس لازم است تا با درنظرداشت وقت، مطابق ضرورت و شرایط هردو روش تجدید ایمان بکار برده شود. ما همواره به تجدید ایمان ضرورت داریم زیرا که عقیده و ایمان از دیگر نظریات و افکار عمومی فرق فاحش دارد، نظریات علمی و مسایل روز اگر یکبار درست دانسته شده و قبول گردد، در ذهن انسان به شکل مستحکم آن جاگزین میشود و هرگز ضرورت آن پیش نمی آید تا

چاره و تدبیر از بـین رفـتن آنـرا نمایـد. در حالیکـه مسـایل ایمانی بر عکس آن اسـت، ایمـان محکـم نیـز آمـاج تهـاجم قرار میگیـرد و ممکـن اسـت زوال و نـابودی را نیـز در پـی داشته باشد. چرا که از یـک طـرف شـادابی هـا، دلچسـپیها، کشش ها، لـذت هـا و نیـاز منـدی هـای جهـان خیلـی پـر کشـش بـوده و از جانـب دیگـر یـورش نظریـات مـادی و فلسفه های الحادی به اندازه ای بـرق آسـا اسـت کـه انسـان را از خود بیگانه مـی سـازد و در نتیجـۀ آن نـاگزیر ایمـان و یقین در پردۀ ابهام قرار میگیرد.

ما غفلت زده گان اگر سـر بـه گریبـان بـاطن خـود فـرو بـریم و یـا نبـریم، بیـدار ضـمیران، از پـرده هـای شـک و غفلـت بـی خبـر نبـوده و بسـا اوقـات از شـدت احسـاس بخـود میلرزنـد. رویـداد حضـرت حنظلـه رضـی الله عنـه مشهور است، هنگامیکه در باطن خـود پـردۀ ابهـام و غفلـت را مشاهده نمود آنقدر ترسید کـه بـر مسـلمانی خـود شـک نمود و با نا قراری مسـتقیماً بـه محضـر نبـوت علیـه السـلام رسید و گفت: ای رسول خـدا ! حنظلـه منـافق شـده اسـت. وقتیکه پیامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـه او تسـلی داد، آنگـاه به او سکون و آرامش مستولی گردید.

دیگران را بحال خود میگـذاریم، حضـرت محمـد صـلی

الله علیه وسلم بزرگترین فرد سرشار از ایمان و یقین، سرگذشت خودرا چنین بیان می کند:

إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ [1]

همانا گاهگاهی بر دلم فتور و سستی از ذکر پیدا می شود در حالیکه من روزی هفتاد بار استغفرالله میگویم.

از فرمودهٔ حضرت ناجی عالم بشریت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم چنین استنباط می گردد که نه تنها صحابهٔ کرام بلکه پیامبران علیهم السلام نیز از این تحول دراما‌ن نبودند، چه رسد به یک شخص عام. از یکسو ناتوانی ایمان و غفلت ما به جایی رسیده که خدا جل علی شانه بر ما رحم کند و از سوی دیگر بی ایمانی و فتنه افروزی ماحول به انتها رسیده است. مسلمان درجهٔ سوم و چهارم نیز اگر حالت را درک نماید، زندگی بر وی تلخ میشود. پس نخستین مسوولیت یک مسلمان این است که همواره در تلاش دور نمودن پرده همای غفلت و غبار از قلبش باشد و یا به عبارت دیگر ایمان خود را همیشه تازه نماید و این تجدید ایمان طوریکه قبلاً روشن گردید، با ذکر لا اله الا الله بطور اجمالی و با مطالعهٔ

1- (صحیح مسلم – 13 / 216 عن الأغر المزني ( )

کتاب و سنت، بطور تفصیلی صورت میگیرد.

ذکر و مطالعه حیثیت صیقل را دارد که غبار و زنگ دلها را می زداید و ایمان را از پردهٔ ابهام برون می‌آورد تا شاهراه مستقیم بنده گی از نظر ها دور نشود. چقدر بد بخت است شخصی که از این نسخهٔ شفابخش و استعمال آن خود داری نموده و غافل است، زیرا این بی پروایی در حقیقت از نوع خود کشی ایمانی کمتر نیست.

مفهوم درست مطالعه

باید در این بخش کیفیت ذکر و مطالعه ای را بیاموزیم که دلهارا سیراب و ایمان را تازه گی می بخشد، مراد از ذکر و مطالعه هرگز حرکت زبان و تکرار الفاظ بر دهان نیست، بلکه ذکر و خوانش راستین هنگامی متحقق میگردد که با توجه و خشوع صورت گرفته دریچه های قلب باز شود و ذهن در ژرفای معانی فرو رود، باطن انسان دست به دعاء گردیده و خواستار رهنمایی در تمام ابعاد زندگی و طالب آمرزش از گناه گردد. زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم و یاران پاکبازش بما خاطر نشان می سازد که ذکرو مطالعهٔ آنها از چنین ویژه گیهایی برخور دار بود.

هویــدا اســت کــه آیــات قرانکــریم، ارشــادات نبــوی و کلمۀ توحیــد(معاذ الله) حیثیــت ســحرو جــادو را نــدارد کــه صرف به زبان آوردن آنها اثــرات خــودرا بجــا گــذارد، بلکــه هــر یــک از آنهــا گنجینــۀ علــوم و معــارف و سرچشــمۀ هدایت است. انســان وقتــی از فــیض آن بهــره منــد میگــردد که به معانی آن پی ببــرد و بدینگونــه خواســتار آن باشــد تــا دل و دمــاغ خــود را روشــن و کــردارش را مطــابق آن آراسته سازد. و این یک حقیقــت آشــکار اســت کــه مــامول مــورد نظــر بــا مطالعــۀ سرســری قــرآن و حــدیث بدســت نیامده، بلکه باخواندن عمیق آن حاصــل میشــود. پــس چنــان مطالعــه ای درکــار اســت کــه در آن زبــان، نیــروی غــور و فکر، جذبــۀ هــدایت و اخــلاص دل، همــه مصــروف باشــند. پس از بحث کلی پیرامون اهمیــت مطالعــۀ قــرآن و حــدیث، سیرت و کتابهای سودمند هــر یــک آنــرا بطــور ویــژه مــورد پژوهش و گفتگو قــرار میــدهیم. در رابطــه بــا اهمیــت نفــس مطالعه روشن است که موثریــت همــۀ آنهــا یکســان نیســت زیرا از لحاظ شــرایط و حــالات، هــر یــک از آنهــا اهمیــت ویژه ای دارد.

مطالعۀ عمیق و با تفکر قرآنکریم

نخست از همه باید مطالعۀ قرآنکریم مورد توجه قرار گیرد که همه به اهمیت والای آن در ابعاد گونا گون زندگی، ایمان داریم. زیرا خورشید اصلی حق و هدایت، قرآن است و چیز های دیگر همه بمثابۀ ماه و ستاره گان اند که از همین خورشید، معرفت نور و روشنایی می گیرند. بنا بر این مقام این کتاب در دانش و معرفت، رشد و هدایت از همه پیشتر است و دیگر مراجع دینی فروع آن اند و اگر این ترتیب و اصول سبدل شود، حق کامل و متوازن هرگز بدست نمی آید. بناءً ناگزیریم که هر مسلمان مطالعۀ قرآنکریم را نخستین ضرورت زندگی خود دانسته و بدان اهمیت قایل شوند.

در بارۀ اهمیت قرآنکریم در خود این کتاب می خوانیم که یکی از ویژه گیهای بندگان راستین و مخلص خدا جل علی شانه این است که آنها ذکر خدا را بجا

آورده و آیت های مـرا تـلاوت مـی نماینـد. و در بـارهٔ بنـی اسـرائیل کـه در گمراهـی و فسـق و فجـور غـرق انـد، میفرماید: که صرف آنعـده ای از آنهـا حـق پرسـت انـد کـه آیت های الهی را تلاوت می نمایند:

﴿ مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ﴿١١٣﴾ ﴾

آل عمران: ۱۱۳

ترجمه:کسانی درمیان اهل کتـاب یافـت مـی شـوند کـه در طاعت خداوند و قیام بـر ایمـان ثابـت قدمنـد پیوسـته در دل شب آیات خدا را تلاوت می کنند.

و ویژه گیهای این تلاوت را چنین واضح می سازد:

﴿ ٱلَّذِينَ ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ يَتْلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ ﴿١٢١﴾ ﴾ البقـــــرة : ۱۲۱

ترجمه: کسانی که کتاب آسـمانی را بـه آنهـا دادیـم و از روی دقـت آن را تـلاوت کـرده و حـق تلاوتـش را (کـه تفکر و اندیشه و سپس عمل است) ادا کردند.

از این ارشاد الهی دانسته میشـود کـه تـلاوت قرانکـریم بـه چنـدین شـکل صـورت میگیـرد، مگـر تلاوتـی کـه مـورد پذیرش درگاه الهی اسـت و آنـرا (حـق تلاوتـه) مـی خوانـد، آنست کـه مـرام نـزول کتـاب الهـی از آن بـر آورده شـود. در ادا نمودن حق تلاوت باید به چند مسئله توجه نماییم:

۱: با دانستن درست مقام و مرتبۀ قرآنکـریم، بـه مطالعـۀ آن آغـاز شـود. بـه ویـژه بـا احسـاس ایـن امـر کـه قـرآن رهنمای کامـل و گنجینـۀ احکـام و معـارفی اسـت کـه بـه زندگی انسان تعلق میگیرد.

قرآن صرف مجموعـۀ مـواعظ اخلاقـی، رهنمـایی حـلال و حرام، اذکارو نیـایش، صـحیفۀ حقـایق مـاوراء الطبیعـت و عقیده و ایمان نیست، بلکـه ایـن کتـاب (تبیانـاً لکـل شـیء) اسـت. در لابـلای آن در بـارۀ هرگوشـۀ زنـده گـی انسـان روشنگری و رهنمایی موجود است. بنا بـر ایـن در هـر کـار دنیـا و آخـرت بایـد قبـل از همـه بـدان رجـوع شـود و در روشنایی آن راه زندگی تعیین و مشخص گردد.

۲_ قرآنکـریم بـا نیـت خـالص، عـزم صـادق و طلـب هدایت روشـنگری تـلاوت شـود. کتابیکـه هـدی للنـاس و هدی للمتقـین (رهنمـای تـوده هـای مـردم و پرهیزگـاران) است و بدون آن هـیچ راه هـدایت کامـل و روشـن دیگـری وجود ندارد.

و اگر خواهان شناسایی راسـتین خـدا جـل علـی شـانه و حصول رضـای او هسـتید، اگـر در جسـتجوی قالـب فکـر صحیح و بـر نامـۀ عمـل صـالح هسـتید؟ پسس بدانیـد کـه انسان وقتی در این برنامـه پیـروز میشـود کـه همـه اندیشـه

های قلبش را از ذهن بیرون نموده و بالاتر از خواهش ها و تمایلات شخصی اش، به قرآن چنگ بزنند. اگرچه شروط مطالعۀ قرآن مشکل است اما طلب صادق هدایت و رهنمایی، به مراتب دشوار تر از آن است. انگیزۀ تقسیم شدن امت اسلامی به گروه ها و فرقه های متخاصم نتیجه بجا نیاوردن همین شرط است. خداوند جل علی شانه راه حل مؤثر کشمکش ها و تنش ها را بما چنین گوشزد نموده است که همه مسایل را به قرآن و سنت راجع سازیم.

﴿فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ ٥٩﴾ النساء: ٥٩

ترجمه: اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبرش صلی الله علیه وسلم ارجاع دهید.

مگر پناه به خدا! امروز ما از قرآن و سنت منحیث اسلحه در کشمکش های گروهی خود استفاده می نماییم. اندک بیاندیشید که دوا و درمان را به زهر مبدل نمودن نتیجۀ کدام کج اندیشی دل و دماغ است؟!

۳: سومین سخن اینکه کوشش شود تادر معانیآیات قرآن فرو رفته و بر لفظ لفظ و آیت آیت آن درنگ و تامل صورت گیرد که در آن، کدامین انوار معرفت و

هدایت پوشیده است؟ چنانکه به مومنان حکم شده است که قرآن را آهسته آهسته و به دقت بخوانید:

﴿ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا ٤ ﴾ المزمل: ٤

ترجمه: به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش.

یکی از صفات هوا داران حق چنین است که آنها در هنگام خواندن و شنیدن قرآنکریم از چشمان باز، ضمیر بیدار و گوشهای شنوای فهم کار میگیرند:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَمۡ يَخِرُّواْ عَلَيۡهَا صُمّٗا وَعُمۡيَانٗا ٧٣﴾ الفرقان: ٧٣

ترجمه: وآنها کسانی هستند که هر گاه آیات پروردگار شان به آنها یاد آوری شود کرو کور روی آن نمی افتند.

بر خلاف علت انکار حق چنین بیان شده است که منکرین در قرآن غور و تعمق نمی نمایند:

﴿ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ ٨٢ ﴾ النساء : ٨٢

ترجمه: آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند.

و بدینگونه یهودیانی که با وجود ایمان به تورات از معانی و رهنمود های آن بی خبر اند به الاغ بار شده از کتاب، تشبیه شده اند:

﴿كَمَثَلِ ٱلْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًاۢ ۝٥﴾ الجمعة : ٥

ترجمه: همچون مثل خری است که کتابهایی را برپشت می‌کشد.

ببینید که خداوند جل علی شانه این طبقه را چگونه سرزنش نموده است. متاسفانه علی الرغم این هشدار ها و سر زنش کتاب پر جلال الهی، روش بر خورد و بر داشت برخی مسلمانان در بارهٔ قرآنکریم و ارشادات آن، تفاوت چندانی با یهودیان که در فوق قرآنکریم از آنها ذکر به عمل آورده، ندارند. الفاظ قرآن را بخاطر برکت و ثواب می خوانند و گمان می کنند که حق تلاوت آنرا ادا نموده اند. و حتی سخن بجایی رسیده است که حلقات مشهور دینی و آنانیکه از تحصیلات عالی برخوردار اند به شاگردان و ارادتمندان خود مشوره میدهند که تنها به تلاوت قرآنکریم اکتفا نمایند و به جنجال ترجمه و تفسیر آن خود را نیندازند، ورنه ذهن شان آماج کشمکش ها خواهد گردید. ملاحظه نمایید که قرآن چقدر مظلوم واقع شده است. آیا حالت موجودهٔ مسلمانان آن پیشگویی پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وسلم) را بما گوشزد نمی نمایسد که فرموده انسد: وقتی می آید که از اسلام صرف نام آن و از قرآن تنها

الفاظ آن باقی میماند.

" یوشك أن یأتي علی الناس زمان لا یبقی من الإسلام إلا اسمه ولا یبقی من القرآن إلا رسمه مساجدهم عامرة وهي خراب من الهدی علماؤهم شر من تحت أدیم السماء من عندهم تخرج الفتنة وفیهم تعود "[1]

ترجمه: عنقریب زمانی فرا میرسد که از اسلام صرف نامش و از قرآن صرف حروفش باقی نمی ماند، مساجد شان آباد بوده مگر از ناحیه هدایت ویران می باشد.

٤: باید قرآن مجید با حضور دل تلاوت شود که این روش صرف تقاضای عظمت کلام خالق کاینات نبوده بلکه عین مقصد هدف اساسی نزول قرآنکریم میباشد. بنا بر این مطالعه و تلاوت قرآن یکی از ضروریات مهم مسلمان قرار میگیرد.

در حالیکه قرآن از نیروی درهم شکننده و پاش پاش کننده کوه ها بر خوردار است.

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ ۚ (٢١)﴾ الحشر: ٢١

---

1 - رواه البیهقي في شعب الإیمان عن علي

ترجمه: اگر ما این قرآن (عظیم الشـان) را بـر کـوه نـازل میکردیم، مشاهده میکردی کـه کـوه از تـرس خـدا خاشـع، ذلیل و متلاشی میگشت.

پـس چگونـه ممکـن اسـت کـه قلـب یـک مسـلمان از جلال آن متاثر نشود؟ بدیهی است کـه بخـاطر متـاثر شـدن، ظرفیـت و صـلاحیت متـاثر شـدن در کـار اسـت. بخـاطر جـذب شـدن در مقنـاطیس، خاصـیت آهـن بـودن آهـن ضروری است وگرنـه بنـام آهـن، چـوب و یـا سـنگ نـزد مقناطیس برده شود، چگونه آهن ربا آنرا جذب نماید؟

پس بخاطر مطالعهٔ قرآنکریم قلـب خاشـع در کـار اسـت که قابلیت تاثر از جلال و جمـال قـرآن را دارا باشـد. چـون قرآن بر قلب نازل شده است:

﴿ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَىٰ قَلْبِكَ ﴿١٩٤﴾ ﴾ الـشعراء: ١٩٣ - ١٩٤

ترجمـه: فـرود آوردش جبرائیـل روح الامـین (فرشـته بزرگ خدا) بر دل تو.

بنا بـر ایـن دلهـا مخاطـب اصـلی آنسـت و تـا وقتیکـه مخاطب، سخنان خطبـه را بـه توجـه نشـنیده و آمـادهٔ بهـره برداری از آن نشود، همه سـخنزانی بیهـوده اسـت. لـذا اگـر می خواهید از فیض قرآن بهـره منـد گردیـد، پـس مخاطـب اصلی آن یعنـی قلـب را آمـادهٔ پـذیرش معرفـت و هـدایت

نمایید. قرآنکریم بار ها در وصف مسلمانان راستین فرموده است: زمانیکه آیات الهی را به آنان می شنوانی ایمان آنان افزایش میابد.

﴿وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ ﴿٢﴾﴾ الأنفال: ٢

ترجمه: و هنگامی که آیات خدا بر آنها خوانده شود بر ایمانشان افزوده می شود.

و حال آنان چنان است وقتیکه به آنها توسط این آیات یاد دهانی صورت میگیرد، به سجده می افتند.

﴿إِنَّمَا يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْ سُجَّدٗا ۩ ﴿١٥﴾﴾

السجدة: ١٥

ترجمه: تنها کسانیکه به آیات ما ایمان میاورند آنانی هستند که چون متذکر یاد خدا شوند، رخ بر خاک می افتند.

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ ﴿٢﴾﴾ الأنفال: ٢

ترجمه: مومنان تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود دلهای آنها (به خاطر درک عظمت او و

1- خوانندهٔ عزیز با خواندن این آیت سجدهٔ تلاوت واجب میگردد. ادای آنرا فراموش نکنید

احساس مسوولیت در پیشگاهش) ترسان می گردد.

﴿وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلۡحَقِّ ٨٣﴾ المائدة : ٨٣

ترجمه: جمعی از آنان هنگامی که آیات قرآن را می شنیدند، اشک شوق از دیدگانشان به خاطر دست یافتن به حق سرازیر می شد.

این همه حالات اهل ایمان نشانگر آن است که آنها کلام الهی را با توجه و یکسویی می خوانند و می شنوند.

این است شرایط اساسی مطالعۀ قرآنکریم که بدان باید اهتمام صورت گیرد و پس از چنین اهتمام، آن را باید مطالعه کرد تا غذای ایمان را تشکیل بدهد، و در این باره رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمْ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمْ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ [1]

ترجمه: و گرد نیامد گروهی در خانه ای از خانه های خدا که می خوانند کتاب خدا را و درمیان شان مذاکره می کنند مگر اینکه بر آنها سکینه و آرامش نازل شده و

1- صحیح مسلم - (13 / 212) عن ابي سعد الخدرى

رحمت عام شامل حال شان گشته و فرشتگان بر آنها احاطه نموده و خداوند تعالی آنها را با فرشتگانی که در نزد اویند، یاد میکند.

حضرت ابن عباس رضی الله عنهما در فضیلت مطالعه می فرماید:

تَدَارُسُ الْعِلْمِ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ خَيْرٌ مِنْ إِحْيَائِهَا. [1]

ترجمه: یکساعت مطالعۀ علمی عمیق و با تفکر همگانی، از نماز همه شب بهتر است.

و اگر مطالعه از حضور قلب، خواهش هدایت و تفکر خالی بوده آداب و شرایط آن مراعات نگردد، نتیجۀ سودمند از آن بدست نمی آید و اگر حاصل هم شود در حقیقت آن علم نام نهاد، چون دانش خاور شناسان است که دماغ شان پر از علم و دنیای دل شان یکسره ویران و خالی است.

باری حضرت زیاد بنی لبید رضی الله عنه از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم پرسید که ای رسول خدا ! علم (قرآن و دین) چگونه بر داشته میشود؟ در حالیکه ما قرآن خوانده و به فرزندان ما نیز آنرا تعلیم میدهیم و سپس فرزندان ما، اولاد شان را آموزش میدهند

2-(سنن الدارمي - 2 / 176)

و بدینگونه این سلسله ادامه می یابد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در پاسخ فرمودند:

أَوَلَيْسَ هَذِهِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارى يَقْرَءُ ونَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ لَا يَعْمَلُونَ بِشَيْءٍ مِمَّا فِيهِمَا[1]

ترجمه: آیا همین یهود و نصاری نیست که تورات و انجیل را قرائت میکنند، مگر نمی دانند چیزی که در این دو است.

مطالعهٔ عمیق حدیث

پس از قرآنکریم مطالعهٔ عمیق حدیث شریف نسبت به همه چیز مهمتر است، چنانکه قبلاً روشن گردید بخاطر اینکه در شاهراه اسلام حرکت نموده و از مسیر حق منحرف نشویم، صرف چنگ زدن به کتاب الهی(تمسک بالکتاب) کافی نبوده، بلکه همراهٔ آن چنگ زدن

1- سنن ابن ماجه – 12 / 58)

به حدیث شریف(تمسک بالسنۀ) نیز ضروری است.

طوریکه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم قرآنکریم را خیر الحدیث (بهترین سخنان) قلمداد کرده است:

فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَخَيْرُ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ[1] بیشک بهترین سخنان کتاب الله و بهترین برنامۀ عمل، روش و سلوک حضرت محمد صلی الله علیه وسلم است.

پیامبرصلی الله علیه وسلم به الفاظ صریح فرموده است که به سنت او چنگ زده شود:

فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ [2]

ترجمه: بر شما است که چنگ زنید بر سنت من و سنت خلفای راشدین، راهیاب شدگان، آنرا محکم گرفته و دندان هایتان را بر آن ، فرو برید.

چرا پیروی از احادیث و سنت رسول صلی الله علیه وسلم به قدری از اهمیت بسزایی بر خوردار است که سلامتی ایمان و اسلام بدان منحصر گردیده است؟

بخاطر دانستن این پرسش به دو نکتۀ ذیل روشنی می

1- (مسلم)

1- سنن أبي داود - (12 / 211)

اندازیم:

۱_ نخست اینکه شرح و تفصیل معارف قرآنکریم بیشتر در متون احادیث میسر گشته، و باز تاب آن در روش پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روشن میگردد. چنانچه بطور کلی دانش کتاب الهی در لابلای کلام معجزه آسا، ارشادات و اسلوب بلیغ قرآنکریم نهفته است که ذهن مردم عام به مشکل به آن دسترسی پیدا میکند. شناخت علوم و معارف قرآن در راستای ایمان و اسلام راستین نقش بسزایی را ایفا می نماید.

۲_ احکام تفصیلی شریعت در قرآنکریم خیلی کم به مشاهده رسیده و تشریح ضروری آن تا حد امکان در حدیث به چشم می خورد، بنا بر این به آن خیر الهدی گفته شده است. بنا بر وجوه فوق، پس از قرآنکریم حدیث شریف حیثیت سر چشمۀ مستقل دین را دارا است، پس مطالعه و دانستن حدیث برای هر مسلمان یک امر ضروری است.

بهر حال در جریان مطالعۀ حدیث باید از ارتکاب دو اشتباه خود داری نمود:

۱_ نخستین اشتباه اینکه روایات نادرست و غیر مستند بنا بر مصلحت پذیرفته شود، این در حالیست که باید احادیث

صحیح برای مطالعه برگزیده شود، اگرچه بسا مردم بخاطر ترغیب و ترهیب، نقل روایات بسیار ضعیف و حتی بی اساس را جایز میدانند، مگر با وجود احترامیکه به آنها داریم نمی توانیم این نظر آنها را بپذیریم. زیرا نقل و تدریس چنین روایات، سود اندک و زیان فراوان را در بر دارد که طبیعت دین را بصورت غیر متوازن به نمایش گذاشته، و از همه مهم تر اینکه، این روایات با سرزنش های شدید پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم رو برو بوده و خلاف ورزی آشکار و صریح از سنت آن حضرت صلی الله علیه وسلم می باشد.

۲_ دو مین اشتباه، گزینش احادیث سلیقوی و انتخابی است که اینکار زیان های فراوان دارد. همان طوریکه درست نیست بخاطر درس و مطالعه، آیات قرآنکریم را مطابق ذوق و پسند خود برگزینیم، همچنان گزینش احادیث نبوی طبق ذوق خود، کاری درست محسوب نمی شود. طوریکه همه قرآن کلام الهی است بدینسان تمام احادیث اعم از کردار، گفتار و تقریر رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است که به همه آنها خیر الهدی (بهترین بر نامۀ عمل) گفته شده است و هیچ یکی آن از گسترۀ وصیت (علیکم بسنتی) بیرون نیست. قرآنکریم درین خصوص چه خوب ارشاد فرموده است:

﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ ٱلْكِتَٰبِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ﴿٨٥﴾ ﴾

البقرة: ٨٥

ترجمه: آیا به بخشی از (دستور های) کتاب (آسمانی) ایمان می آورید و به بخش دیگر کفر می ورزید؟

بنا بر این گزینش سلیقوی آیات قرآن و محدود نمودن تلاش های فکری و کاری به یک بخش مصداق آیهٔ ذکر شده می باشد و بدینگونه انتخاب ذوقی احادیث، جرم ترک سنت بشمار میرود. خیلی شگفت آور است که از این مجموعهٔ کامل رشد و هدایت طبق پسند خود چند باب و بخشی را برگزینیم و صرف به درس و مطالعهٔ آنها اکتفا نماییم.

در این رابطه توجیه آنانیکه میگویند: شرایط دیگر به خواندن بسا از احادیث مربوط به شوون مختلف زندگی ضرورت باقی نگذاشته و باید با آن احادیث تماس اندک بر قرار نماییم، معقول به نظر نمی رسد. این برداشت و توجیه انتهای بی علاقگی و کم نظری را به نمایش می گذارد. اگر امروز در برخی از شوون، اسلام عزیز به چشم نمی خورد دلیل آن شده نمی تواند که بی تفاوتی اختیار نموده و دست زیر الاشه بنشینیم، بلکه تقاضای ایمان و وجدان سالم چنان است که جداً تکان خورده و متحرک شویم و در نخستین گام به خوانش آن آیات و احادیثی بپردازیم که از کاربرد عملی در زندگی و متن جامعه دور گردیده و مورد تطبیق قرار نمی گیرد، تا لا اقل یاد آن احکام از ذهن ها فراموش نگردد. ورنه خدای

نخواسته دانسته نمی شود که کاروان زندگی به کدام سـمت و سوی نا مشخص در حرکت خواهد افتاد.

دو مین زیان انتخاب و گلچین سلیقوی آیات و احادیث این است که تصور جامع بودن دین را در ذهن محدود و یکجانبـه می سازد. این یک امر طبیعی است که اگر انسان بر پـاره ای از مسایل ترکیز نماید و به امور دیگر چندان اهمیت قایل نشـود، مسایلی که به آن توجه نموده سرمایهٔ فکری و عملی او میگردد و رابطهٔ ذهنی او با دیگر موضوعات قطع می شود.

بنا بر این اگر میخواهید تصور خالص و مکمل دیـن را در دل و دماغ تان زنده نگهدارید، پـس هرگـز اشـتباه گـزینش و گلچین آیات و احادیث سـلیقوی و خـود پسـند را مرتکـب نشوید، همه را بعنوان رهگشای دین و دنیا مورد مطالعه و توجه قرار داده بدان عمل نمایید.

مطالعهٔ سیرت

مطالعه سیرت و اسوهٔ رسول الله صـلی الله علیـه وسـلم در دین، نه تنها از اهمیت احادیث شریف بر خوردار است، بلکـه علاوه بر آن از ویژگیهای بیشتر سیرت آنست چیزی را که قرآن و سنت در جامه و قالب الفاظ (تیوری) بیان میـدارد همـه در

اسوه و سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بـه شـکل عمـل (پراکتیک) مجسم شده و در برابر چشمان ما قرار میگیرد.

دانستن سخن و مطلب از لابلای الفـاظ و عبـارات خیلـی دشوار است مگر وقتیکه آنرا با مثال روشن نماییم، آنگاه خیلی زود گره ها باز شده و ذهن نشین میگردد. پس اینجا است کـه ضرورت اسلام مجسم و عملی هویدا میگردد. اگر کسی در پی آن باشد که اسلام را به شکل حقیقـی و پـاکیزه آن شناسـایی نماید، از زندگی عملی پیامبر (صلی الله علیـه وسـلم) دیگـر شارح و ترجمان بهتر نمی یابد. و علاوه بـر آن مطالعـهٔ اسـوه رسول صلی الله علیه وسلم از ویژگی دیگـری نیـز برخـوردار است و آن اینکه نه صرف در پیروی از اسوهٔ رسول الله (صـلی الله علیه وسلم) انسان مورد محبت الهی قرار گرفته بلکه به مقام والای محبوبیت میرسد، و آن مقامی است که در تصور انسـان نمی گنجد. خداوند جل علی شانه میفرماید:

﴿ قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ ﴿٣١﴾ ﴾ آل عمران: ۳۱

ترجمه: بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

معلوم گردید که انسان از تابعیت و پیروی رسول الله صـلی الله علیه وسلم به محبوبیت الهی، یعنی بزرگترین مقام بنده گـی

میرسد. واژۀ اتباع از معنی عام اطاعت بالاتر است زیرا اطاعت در چهار چوب بجا آوردن احکام دینی و رهنمود های آن باقی مانده در حالیکه اتباع رسول صلی الله علیه وسلم از آن یک گام بیشتر نهاده و تا گسترۀ پیروی از هر نقش قدم پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم توسعه می یابد. و روشن است دو مین نام پیروی از نقش قدم مبارک محمد صلی الله علیه وسلم پیروی از از اسوۀ رسول الله صلی الله علیه وسلم است. پس بنا بر این مطالعۀ اسوۀ رسول صلی الله علیه وسلم از اهمیت بسزایی برخوردار است.

سیرت و اسوۀ صحابه رضی الله عنهم

مطالعۀ سیرت اسوۀ یاران پیامبرصلی الله علیه وسلم، پس از قرآنکریم، احادیث و اسوۀ رسول یکی از نیازمندی های مهم دین را تشکیل میدهد. شما قبلاً دانستید که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنگ زدن به سنت خلفای راشدین را همراۀ سنت خود تاکید و تلقین فرموده است:

فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ

و همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم در بارۀ همه یاران پاکبازش رضی الله عنهم اجمعین فرموده است:

« إنما أصحابي كالنجوم ، فبأيهم اقتديتم اهتديتم »[1]

ترجمه: یاران من چون ستار گانند از هر یکی از آنان پیروی نمایید، را هیاب میشوید.

حضرت ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید:

«مَن كانَ مُسْتَنًّا ، فَلْيَسْتَنَّ بمن قد ماتَ ، فإنَّ الحيَّ لا تُؤمَنُ عليه الفِتنَةُ ، أولئك أصحابُ محمد – صلى الله عليه وسلم – ، كانوا أفضلَ هذه الأمة : أبرَّها قلوبًا ، وأعمقَها علمًا ، وأقلَّها تكلُّفًا ، اختارهم الله لصحبة نبيِّه ، ولإقامة دِينه ، فاعرِفوا لهم فضلَهم ، واتبعُوهم على أثرهم ، وتمسَّكوا بما استَطَعْتُم من أخلاقِهم وسيَرِهم ، فإنهم كانوا على الهُدَى المستقيم»[2]

.ترجمه: این یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند تا جاییکه ممکن است به اخلاق و سیرت آنها تمسک ورزید زیــرا ایــن مردم در شاهراه مستقیم هدایت قرار داشتند.

از روایت مزبور دانسته میشود که همۀ این یاران پاکبــاز و پاکمنش، ستارگان کهکشان هدایت بودند و سیرت همــۀ آنــان نشانه هایی بر فراز راه ما اند. از روایت اول دانسته میشود کــه درمیان این گروه، سیرت، اسوه و سنت خلفای راشدین از مقام و جایگاه بالایی برخوردار است، آنها گل سرسبد صحابۀ کرام

----

1 – الإبانة الكبرى لابن بطة – (2 / 220)

1– (جامع الأصول في أحاديث الرسول –1 / 292)

بوده و کارنامه های شان در هر میدان زندگی ثبت است چـون آنها از عبادت گرفته تا آخرین ابعاد زندگی مدنی و اجتماعی از قبیل تمدن، معاشرت، حکومت، سیاست، صلح، جنگ و روابط بین المللی مستقیماً در تماس بوده اند، لذا ممکن اسـت آنـان نمونۀ کامل زندگی اسلامی را به تصویر کشیده باشند.

آنها بخاطر راشدین و مهدیین بودن توفیق انجام دهی ایـن فریضه را دریافتند، پس بدین خاطر آنها می توانند پس از سنت نبوی مسلمانان را بطور کامل رهنمایی نماینـد. یکـی از ویـژه گیهای مهم مطالعۀ سیرت و اسوۀ صحابۀ کرام رضی الله عـنهم این است که صرف با مطالعۀ آن ما به مسئله ای پی مـی بـریم که در آنجا نمونۀ عملی اسلام مجسم توسط پیـامبر معصـوم و سردار پیامبران که همه ویـژه گیهـا و سـلوک و کـردار آن در قرآنکریم، احادیث و کتب سیرت به مشـاهده میرسـد، تقـدیم میشود.

اما در اینجا نمونۀ عملی اسلام بذریعـۀ یـک انسـان غیـر پیامبرو معصوم، چگونه خواهد بود؟ و بزرگتـرین و عـالیترین الگویی از جامعۀ اسلامی که بتواند در جهان هستی اساس قرار گرفته و نهادینه گردد، کدام است. نقشه، راه و برنامۀ آن چگونه است؟

برای دریافت این پاسخ راهی جز مطالعـۀ عمیـق زنـدگی

یاران با صفا و پیشوایان دین که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیــز بدان تاکید نموده اند، ممکن و میسر نخواهد بود. پــس از ایــن بحث به این نتیجه میرسیم که مطالعۀ ســیرت و اســوۀ رســول صلی الله علیه وسلم و سیرت یاران با صفایش از چند نگاه مهم است:

اول: از مطالعۀ سیرت پیشــوایان دیــن مشــخص میگــردد، چگونه آنها مسلمانان کامل بوده و خودرا به خداوند جل علــی شانه سپرده بودند؟! و از حیات مبارک آنها بلند تــرین قلــه ای هویدا می‌گردد که اگرچه دست یافتن به آن قلــه بــرای همــه ممکن نخواهد بود، اما بخــاطر پیمــودن مســیر پــرخم و پــیچ زندگی، انسان مومن باید چشمانش را به آن مقام بلند بدوزد.

دوم: از این جهت مطالعۀ سیرت پیشقراولان دین ضــرورت است که زندگی مبارک آنها مقامی را برای ما معین و مشخص می‌گرداند که رسیدن به آن منزل خارج از دایره و توان انســان نمی باشد و انسان می تواند به صورت فــردی و اجتمــاعی بــا صبر، شکیبایی، تلاش و کوشش به آن مقام دست یافته، زندگی فردی و اجتماعی اش را در روشنایی روش و کردار آنها، سرو سامان بخشد.

مطالعۀ کتابهای سودمند

در اخیر به موضوع مطالعۀ کتابهای عــام، مفیــد و اســلامی

تماس میگیریم. بدون شک این کتابها نمی توانند مرجع مستند دین و شریعت شوند و شاید هیچ نوشته و اثر دنیا نباشد که در آن شک و شبهه وجود نداشته باشد، با وجود آن بسیار کمی از مردم را سراغ داریم که از مطالعهٔ کتابهای علمای حقانی بی نیاز باشند.

پس از خیرالقرون چنین مسلمانان که بتوانند از قرآن و حدیث سیرت و اسوهٔ رسول الله صلی الله علیه وسلم استفادهٔ مستقیم نمایند و نیازمندی های علمی و دینی خود را از آن منابع تکمیل نمایند، وجود نداشته و اکنون بصورت اولی وجود ندارد. پس بدون مراجعه به کتابهای مفید چاره نداریم. در اصل این کتابها شرح و ترجمهٔ قرآن و سنت اند و بنا بر این مطالعهٔ آن برای یک مسلمان عام حیثیت و قایم مقام قرآن و سنت را دارد. مگر در این امر باید به دو نکته توجه شود:

اول: اینکه کتاب بزرگترین دانشمند و نابغهٔ عصر را نیز قایم مقام و بدیل مطالعهٔ قرآن و حدیث ندانیم.

دوم: اینکه در پهلوی خواندن این کتب به حد توان به مطالعهٔ قرآن و حدیث پرداخته تا لا اقل تعالیم بنیادی دین و سرشت و طبیعت آنرا از سرچشمه های اصیل آن اخذ نماییم و در پهلوی آن شرح های مستند قرآن و حدیث را به خوانش بگیریم، پس امید است که خداوند متعال در مقابل این مطالعه

بما چنان بصیرت عطا فرماید کـه بذریعـهٔ آن، حـدود دیـن و اصول زرین و برجستهٔ اسلام و ایمان را درک نماییم. البتـه در این شک و شبهه ای وجود ندارد که در عمل ایـن یـک کـار خیلی دشوار و مشکل است و حل این مشکل در ارادهٔ محکم، طلب راستین هدایت و دعا به بارگاه الهی نهفته است. در ضمن مطالعه کتابهای سودمند، خواندن کتابهای نهضت اسـلامی نیـز شامل است. این کتابها طوری خوانده شود که دیگر کتابهـا را مطالعه می کنید. برخی از نکات این کتب قابـل توجـهٔ ویـژه است، زیرا در شرایط کنونی از اهمیـت خاصـی بـر خـوردار هستند.

البته این بدین معنی نیست که این موضوعات و مفـاهیم را حرکت اسلامی خود ایجاد نموده بلکه این نکات حقایق آشکار اسلامی اند که با عبارات و الفاظ گوناگون در دیگـر کتابهـای اسلامی ذکر شده اند، مگر چیزیکه نکات مزبور را بـر جسـته نموده این است که آن مغاهیم با زندگی عملی مـا سـرو کـار داشته و آیینه دار زندگی عصر ما می باشند که سال هـا زینـت بخش کتابها بوده و در سلول های ذهن انسان زندانی گردیـده بود که توسط تلاش های فکـری و عملـی حرکـت اسـلامی برجسته شده و به رخ جهانیان کشیده شد.

پس این تراوش ها سزاوار این اند تا از دوبـاره فرامـوش

شدن آنها جلوگیری شود و روش عملی آن این است، کتابهایی که این مفاهیم را با شرح و تفصیل بیان داشته اند، با توجهٔ ویژه مطالعه شوند. در اینجا ذکر یک نکته قابل توجه است که یکبار از مؤسس نهضت اسلامی شـنیده بـودم کـه گفـت: کتابهـای حرکت باید بار بار خوانده شود و من کتابهـای نوشـته شـده خودم را همواره می خوانم. بنا بر این بخاطر آگاهی از دیـن و تطبیق آن در زندگی لازم است منابعی که ذکـر آن رفـت، بـا دقت و تعمق مطالعه شود.